

فصلنامه علمی پژوهشی کاوش‌نامه
سال چهاردهم (۱۳۹۲)، شماره ۲۷

تأثیر شعر شعرا بر اشعار جلال‌الدین حافظ سعد

تبریزی*

مژده حاج احمدی پور رفسنجانی^۱
دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی
دکتر محسن پور مختار
استادیار دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

چکیده

«جلال‌الدین حافظ سعد تبریزی» ملقب به «سعدالله» از شعرای فارسی‌گوی و متصوّف قرن نهم هجری است. از شرح حال او اطلاع چندانی در دست نیست جز اینکه وی مرید قاسم انوار بوده و به دلایلی که بر ما پوشیده است؛ مورد غضب مراد خود قرار گرفته و از خانقاه رانده شده است. آنچه از اشعار دیوان شاعر مستفاد می‌شود این است که وی به احتمال قوی شیعه مذهب و اهل تبریز بوده و به خراسان، کرمان و عراق نیز مسافرت‌هایی داشته است. او شاعری با مشرب قلندری بوده و در اشعارش قلندر و قلندریان را ستوده است. از دو نسخه خطی موجود این دیوان یک نسخه در کتابخانه مجلس شورای اسلامی و دیگری در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود. دیوان او شامل ۶ قصیده، ۴۲۶ غزل، یک مستزاد و یک مخمس، ۲۶ قطعه، ۳۵۲ رباعی و بیش از ۶۱۱ معماست. حافظ سعد در اشعارش از بسیاری از شعرای پیشین و معاصر خود تأثیر پذیرفته است. از شعرای پیشین که تأثیر اشعار آنان در دیوان وی به طور آشکار قابل مشاهده است، حافظ و سعدی شیرازی، خواجو، امیر خسرو دهلوی و عطار را می‌توان نام برد و از شعرای معاصر با وی می‌توان از: کمال خجندی، جامی و قاسم انوار یاد کرد.

واژه‌های کلیدی: حافظ سعد تبریزی، تأثیر پذیری، ادبیات تطبیقی، کمال خجندی، شعر قلندری.

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۱۰/۰۶

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۰۳/۲۱

۱- نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: aliryahi@yahoo.com

زندگی و اشعار حافظ سعد تبریزی

«مولانا جلال‌الدین حافظ سعد تبریزی» از شاعران غزل سرای نیمه اول قرن نهم ه.ق است. اطلاعات ما درباره وی بسیار اندک است. منابعی که اطلاعاتی هر چند مختصر درباره این شاعر می‌دهند عبارتند از: تذکره مجالس النفایس (امیر علیشیر نوایی، ۱۳۶۳، صص ۱۸۴-۱۸۵)، کتاب دانشمندان آذربایجان (تربیت، بی تا، ص ۱۸۱)، تذکره روز روشن (صبا، ۱۳۴۳، ص ۳۵۵)، فرهنگ سخنوران (خیام پور، ۱۳۶۸، ص ۲۶۸)، شعر فارسی در عهد شاهرخ (یارشاطر، ۱۳۸۳، ص ۲۴۸) و دیوان شاعر که البته منبع بیشترین اطلاعات ما درباره اوست.

نام و لقب شاعر، در کتاب مجالس النفایس «حافظ سعد» و در کتاب دانشمندان آذربایجان و فرهنگ سخنوران «مولانا جلال‌الدین حافظ تبریزی»، ملقب به «سعد الله» و در تذکره روز روشن «حافظ سعدالله تبریزی» و بر روی برجسب نسخه کتابخانه مجلس «جلال‌الدین سعدالله تبریزی» و بر روی برجسب نسخه موزه بریتانیا نام شاعر با حروف انگلیسی «حافظ سعد» آمده است.

اختصاص لقب حافظ به او را با توجه به آنچه در پشت جلد نسخه بریتانیا آمده است^۱ باید همان حافظ قرآن بودن او دانست. تخلص شاعر «سعد» است و در دیوان او کمتر غزلی می‌توان یافت که در پایان آن تخلص خود را نیاورده باشد. در مورد زادگاه شاعر از دیوان اطلاعی به دست نمی‌آید و در آن نامی از تبریز و مردم تبریز نیامده است. تنها براساس نسبت شاعر (تبریزی) و اینکه مراد وی شیخ قاسم انوار اهل تبریز بوده است و همچنین با توجه به ماده تاریخی که در یکی از رباعیات دیوان (گ ۱۳۰ب) آمده است^۲ می‌توان حدس زد که زادگاه شاعر بایستی تبریز بوده باشد.

تاریخ دقیق ولادت و وفات «حافظ سعد» در هیچکدام از منابع مذکور نیامده است با توجه به تاریخ ولادت و وفات مراد وی -قاسم انوار (۷۵۷-۸۳۸ ه.ق)- می‌توان تاریخ تقریبی حیات شاعر را نیمه دوم قرن هشتم تا نیمه اول قرن نهم دانست؛ این نکته تاییدی است بر نظر دکتر یارشاطر که نام «حافظ سعد» را در زمره شعرای نیمه اول قرن

نهم هجری ذکر کرده است.^۳

در منابعی که در ابتدای این مبحث ذکر گردید؛ آمده است که حافظ سعد مرید قاسم انوار بوده و بنا به دلایلی که بر ما پوشیده است از خانقاه پیر خود، رانده شده است. حافظ سعد، با توجه به برخی از ابیات موجود در دیوانش به احتمال قوی شیعه مذهب بوده است^۴ و گویا مسافرت هایی به شهرهای خراسان، عراق و کرمان نیز داشته و احتمالاً مدتی هم در این شهرها سکونت کرده است.^۵ چنانکه از اشعار حافظ سعد بر می آید وی شاعری قلندر بوده و در دیوان خود قلندر و قلندریه را ستوده است.^۶ در اشعار وی نوعی نگاه وحدت وجودی - متأثر از آرا و اندیشه های محیی الدین ابن عربی - نیز دیده می شود.^۷ به طور کلی اشعار او، بویژه غزلیاتش، دارای مضامین عارفانه - عاشقانه است.

دیوان حافظ سعد به ترتیب شامل: شش قصیده که به جز یکی از قصاید، بقیه در مدح قاسم انوار، پیر شاعر، سروده شده است و حاکی از میزان علاقه شاعر به مراد خویش است؛ ۴۲۶ غزل: بخش اصلی دیوان حافظ سعد را غزلیات وی تشکیل می دهد که دارای مضامین عارفانه - عاشقانه هستند؛ ۲۶ قطعه که اکثر آنها در طلب مایحتاج از ممدوح است؛ ۳۵۲ رباعی که اکثراً با مضامین عارفانه - عاشقانه است و بیش از ۶۱۲ معماً: شمار زیاد معماً در این دیوان ناشی از رواج این نوع ادبی در زمان حیات شاعر (عهد تیموریان) است.

نسخ موجود دیوان حافظ سعد تبریزی

دو نسخه خطی از این دیوان می شناسیم. یکی با نام «دیوان سعد حافظ تبریزی» است که سراینده آن «جلال الدین سعدالله تبریزی» معرفی شده است و در کتابخانه مجلس شورای اسلامی با شماره ۸۷۰۶۵ محفوظ است. این دیوان شامل ۱۸۷ برگ ۳۷۴ صفحه و به خط نستعلیق است. «کتابت آن در شوال ۸۶۴ هجری قمری توسط «محمود بن محمد بن خماری» در زمان حیات شاعر صورت گرفته است».^۸

دیگر نسخه خطی این دیوان، در موزه بریتانیا به شماره OR.11846 نگهداری می‌شود. و دیوان حافظ سعد^۹ مورخ ۸۶۴ هجری قمری معرفی شده است.^{۱۰} خط آن نستعلیق است و شیخ محمود هروی، پیر بدایق آن را کتابت کرده است.

تأثیرپذیری حافظ سعد از شعرای پیشین و همعصرش

حافظ سعد چنانکه از اشعارش برمی‌آید، شاعری متوغل در شعر فارسی قبل و همزمان خود بوده و از بسیاری شعرای قبل و همعصر خود تأثیر پذیرفته است. شاعرانی که تأثیر بیشتری در شعر او داشته‌اند به ترتیب تاریخی عبارتند از: عطار، مولوی، سعدی، امیر خسرو دهلوی، اوحدی مراغه‌ای، خواجه، حافظ شیرازی، کمال خجندی، شاه نعمت الله ولی، قاسم انوار و عبدالرحمان جامی.

در این مقاله تأثیرپذیری‌های حافظ سعد به چهار بخش تقسیم شده است: ۱- ابیات، یا مصاربع یکسان ۲- اشعاری که از لحاظ قالب و وزن و قافیه و ردیف شبیه هستند.^{۱۱} ۳- اشعاری که ترکیبات مشابهی دارند. ۴- اشعاری که دارای مضمون مشابه هستند. شایان ذکر است در همه موارد- به دلیل محدود بودن صفحات مقاله- تنها به ذکر نمونه‌هایی محدود بسنده شده است.

۱- پیشینیان

۱-۱- فرید الدین عطار نیشابوری (متوفای حدود ۶۱۸ ق) (تفرنگی)

یکسانی‌ها:

عطار:

هر دلی کز عشق تو آگاه نیست گو برو کو مرد این درگاه نیست

(دیوان، ۱۳۵۹، ص ۹۲)

حافظ سعد:

هر که او از ذوق عشق آگاه نیست گو برو کو مرد این درگاه نیست

(گ ۳۲ ب)

عطار:

گرد بر گرد دلم از درد تو خون گرفت و زهره یک آه نیست
(دیوان، ص ۹۲)

حافظ سعد:

این همه دلها که خون شد در غمش هیچکس را زهره یک آه نیست
(گ ۳۲ ب)

حافظ سعد:

کرده‌ام خمخانه‌ها خالی هنوز می‌زند دل نعره هل من مزید
فرد گشتم همچو سعد از غیر یار تا شدم در عشق هم درد «فرید»
(گ ۳۹ الف)

به احتمال نزدیک به یقین در بیت فوق منظور شاعر از «فرید» فریدالدین عطار
نیشابوری است و حافظ سعد این بیت عطار را در نظر داشته است:

عطار:

این چه شور است از تو در جان ای فرید
نعره زن از صد زبان هل من مزید
(مصیبت نامه، ص ۳۶۴)

۱-۲- مصلح الدین سعدی شیرازی (متوفای ۶۹۱ ق):

یکسانی‌ها:

سعدی:

آنکه مکتب بیش از آن خواهد که قسمت کرده اند

گو طمع کم کن که زحمت بیش باشد بیش را
(مولوی، ۱۳۷۳، ص ۸۴)

حافظ سعد:

سعد بیش از بیش جستن وصل جانان شرط نیست

رو قناعت کن [که] زحمت بیش باشد بیش را
(گ ۱۶ ب)

سعدی:

سرو ایستاده به چو تو رفتار می کنی

طوطی خموش به چو تو گفتار می کنی

(مولوی، ۱۳۷۳، ص ۶۸۳)

حافظ سعد:

سعد ار چه هست طوطی خوشگوی سعدیا

طوطی خموش به، چو تو گفتار می کنی

(گ ۱۰۰ الف)

سعدی:

تا رفتنش بینم و گفتنش بشنوم از پای تا به سر همه سمع و بصر شدم

(مولوی، غ، ص ۵۷۱)

حافظ سعد:

تا بشنوم حدیث تو و بنگرم تو را از پای تا به سر همه سمع و بصر شدم

(گ ۶۶ ب)

۳-۱- خواجهی کرمانی (متوفای ۷۵۳ق): از بسیاری ابیات حافظ سعد می توان دریافت

که با اشعار خواجه مأنوس بوده است، اما پرهیز از اطناب را به موارد زیر بسنده

می شود:

یکسانی ها:

خواجه:

آن خط شب مثال که بر خور نوشته اند

یا رب چه دلفریب و چه در خور نوشته اند

(دیوان، ص ۴۲۶)

حافظ سعد:

منشور حسن روی تو بر خور نوشته اند

بر خور نوشته اند و چه درخور نوشته اند

(گ ۴ ب)

خواجو:

تو از جراحت دل‌های خسته نندیشی

که در ضمیر نیاری که الجروح قصاص

محبّ روی تو رویم نمی‌تواند دید

که گفته‌اند که القاص لایحب القاص

(دیوان، ص ۳۱۳)

حافظ سعد:

آری القاص لایحب القاص

سگ کویش گزید واعظ را

سن بالسن و الجروح قصاص

بوسه دادم لبش لبم بگزید

(گ ۶۲ الف)

خواجو:

دردمندیم و به امید دوا آمده‌ایم

به گدایی به سر کوی شما آمده‌ایم

(دیوان، ص ۷۱۳)

حافظ سعد:

دردمندیم و به امید دوا آمده‌ایم

ای طبیب کرمت کرده دوا می‌دهد

(گ ۸۰ ب)

خواجو:

وز نرگس مخمور تو در عین خماریم

از باده نوشین لبست و خراییم

(دیوان، ص ۳۲۸)

حافظ سعد:

چون نرگس بیمار تو در عین خماریم

در میکده عشق به بوی قدح وصل

(گ ۸۱ ب)

خواجو:

اموال زنگ بر شه خاور نوشته‌اند

وجه برات شام بر اختر نوشته‌اند

(دیوان، ص ۵۷۴)

حافظ سعد:

حسن تو شاه خاور و زلف تو زنگ رنگ

اموال زنگ بر شه خاور نوشته‌اند

(گ ۴ ب)

خواجه:

فردوسیان حدیث روان بخش عذب من

در روضه بر حوالی کوثر نوشته‌اند

(دیوان، ص ۵۷۶)

حافظ سعد:

شرح خواص باده جام عطای تو

در بزم خلد بر لب کوثر نوشته‌اند

(گ ۴ الف)

۱-۴- خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی (متوفای ۷۹۱ ق): غزل‌های حافظ شیرازی بیشترین تأثیر را بر اشعار حافظ سعد گذاشته است. علاقه حافظ سعد به حافظ شیراز و اشعارش به قدری است که اشعار حافظ شیراز را هم‌ردیف و قابل مقایسه با قرآن می‌داند:

سعدا به دور حافظ لاف از سخن مزن

زیرا که هیچ شعر به قرآن نمی‌رسد

(گ ۴۹ ب)

علاوه بر این، شاعر در غزل ۲۲۴ (گ ۶۳ ب) دیوان، واژه «حافظ» را ردیف شعر قرار داده که دلیل دیگری بر علاقه وی به حافظ شیرازی است. حافظ سعد بسیاری از مصراع‌های اشعار حافظ شیرازی را در غزل‌هایش تضمین کرده و در بعضی موارد نیز در اشعارش از ترکیبات خود ساخته حافظ استفاده کرده است که نشانه توغل او در اشعار حافظ شیرازی است.

متأسفانه به دلیل محدود بودن صفحات مقاله به ناچار بسیاری از ابیات مشابه این دو شاعر حذف گردید.

یکسانی‌ها:

حافظ:

علاج ضعف دل من به لب حوالت کن

که این مفرح یاقوت در خزانه توست

(دیوان، ص ۴۰)

حافظ سعد:

دوای این دل بیمار غم گزیده من

مفرحی ست که آن خاص در خزانه توست

(گ ۲۴ ب)

حافظ:

تنت به ناز طیبیان نیازمند مباد

وجود نازکت آزرده گزند مباد

(دیوان، ص ۹۱)

حافظ سعد:

وجود نازکت ای گل اسیر خار مباد

مه جمال تو آزرده غبار مباد

(گ ۵۲ ب)

حافظ:

ای صبا نکستی از کوی فلانی به من آر

زار و بیمار غمم راحت جانی به من آر

(دیوان، ص ۱۹۵)

حافظ سعد:

ای صبا از چمن یار نسیمی به من آر

نغمه ای زان گل نو خاسته سوی چمن آر

(گ ۵۵ ب)

حافظ سعد:

ساقیا جام روانبخش روانی به من آر

بر دلم رحم کن و راحت جانی به من آر

(گ ۵۷ ب)

حافظ:

من که از آتش دل چون خم می در جوشم

مهر بر لب زده خون می خورم و خاموشم

(دیوان، ص ۲۶۲)

حافظ سعد:

چون خم می اگر چه در جوشم مهر بر لب مدام خاموشم

(گ ۷۱ الف)

حافظ:

مرا امید وصال تو زنده می دارد و گرنه هر دم از هجر توست بیم هلاک

(دیوان، ص ۲۳۲)

حافظ سعد:

مرا امید وصال تو زنده می دارد و گرنه طاقت هجر تو من کجا دارم

(گ ۷۴ الف)

حافظ:

به هوش باش که هنگام باد استغنا هزار خرمن طاعت به نیم جو نهند

(دیوان، ص ۱۶۱)

حافظ سعد:

مباش غره که با تندباد استغنا هزار خرمن طاعت به نرخ نیم جو است

(گ ۲۸ ب)

حافظ:

در همه دیرمغان نیست چو من شیدایی خرقه جایی گرو باده و دفتر جایی
(دیوان، ص ۳۷۳)

حافظ سعد:

در جمله جهان نیست چو من شیدایی نی جز تو کسی، نه جز درت ماوایی
(گ ۱۴۷ الف)

حافظ:

یک دو جامم دی سحرگه اتفاق افتاده بود
وز لب ساقی شرابم در مذاق افتاده بود
از سر مستی دگر با شاهد عهد شباب
رجعتی می خواستم لیکن طلاق افتاده بود
(دیوان، ص ۹۵)

حافظ سعد:

در سرم دوشینه آهنگ عراق افتاده بود
ذوق ایام شبایم در مذاق افتاده بود
با عروس عیش پیشین صحبتی می خواستم
زین هوس می سوختم، اما طلاق افتاده بود
(گ ۴۳ الف)

حافظ:

قند آمیخته با گل نه علاج دل ماست
بوسه ای چند بر آمیز به دشنامی چند
(دیوان، ص ۱۴۶)

حافظ سعد:

مدتی شد که براین در ز دعاگویانم
چه شود گر بنوازیم به دشنامی چند
(گ ۴۵ ب)

حافظ:

ز مرغ صبح ندانم که سوسن آزاد

چه گوش کرد که با ده زبان خموش آمد

(دیوان، ص ۱۴۱)

حافظ سعد:

گشت سوسن علم به آزادی

ز آنکه با ده زبان خموش آمد

(گ ۴۲ ب)

حافظ:

میان عاشق و معشوق فرق بسیار است

چو یار ناز نماید شما نیاز کنید

(دیوان، ص ۱۹۱)

حافظ سعد:

خواهی که نازنین جهان وفا شوی

چندانکه یار ناز کند تو نیاز کن

(گ ۹۰ ب)

۲- معاصران

۱-۲- کمال خجندی (متوفای ۸۰۳ق): وی از شاعران معاصر حافظ سعداست و چه

بسا این دو شاعر با یکدیگر دیدار هم کرده باشند، زیرا که کمال در بدایت عمر خود به

تبریز مهاجرت کرده و در خدمت سلطان حسین جلایر بوده و به سال ۸۰۳ هجری در

آن دیار درگذشته است و از وی دیوان شعری به جای مانده است. تاثیرپذیری حافظ

سعد از اشعار کمال نسبتاً زیاد و کاملاً آشکار است.

یکسانی‌ها:

کمال:

بر گل به پای سرو چو رفتار می‌کنی

از لطف پای نازکت افگار می‌کنی

(دیوان، ص ۹۱۶)

حافظ سعد:

چون بگذری به پای خیال از سواد چشم

از لطف پای نازکت افگار می کنی

(گ ۱۰۰ الف)

گفتنی است که کمال غزل خود را ظاهراً در اقتضای غزل معروف سعدی به مطلع سرو

سروده است و در بیت آخر آن آورده است:

ایستاده به چو تو رفتار می کنی

طوطی خموش، به چو تو گفتار می کنی

سعدی اگر چه طوطی گویا بود کمال

طوطی خموش به چو تو گفتار می کنی

مصراع دوم این بیت تضمین از غزل سعدی است. بیت آخر غزل حافظ سعد نیز

نشان دهنده آن است که شاعر به غزل کمال و سعدی هر دو نظر داشته و ظاهراً در بیت

پایانی همچون کمال، سعدی را مخاطب قرار داده و در مقابل او اظهار خضوع و

فروتنی کرده است.

۲-۲- عمادالدین نسیمی (مقتول ۸۳۸ق): نسیمی شاعر قرن هشتم و نهم هجری

قمری بوده است وی در هر سه زبان فارسی، ترکی و عربی صاحب دیوان بوده است.

وی شاعری آذربایجانی الاصل بوده است^{۱۲}. در بین اشعار حافظ سعد به دو بیت

برمی خوریم که با دو بیت از دیوان نسیمی تشابه قابل توجهی دارد، گرچه نمی توان به

طور قطع گفت که حافظ سعد از این شاعر تأثیر پذیرفته، اما به احتمال زیاد دیوان این

شاعر معاصر خود را خوانده بوده است.

نسیمی:

ای شمع فلک پرتوی از روی چو ماهت

وی ظلمت شب شمه ای از زلف سیاهت

(عمادالدین نسیمی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۹)

حافظ سعد:

ای شمع فلک لمعه‌ای از ماه منیرت

جز آینه ذات تو ننمود نظیرت

(گ ۱۸ ب)

نسیمی:

خلاف خوی رضا یار ما گرفت و گذاشت

نقیض و عکس وفا و جفا گرفت و گذاشت

(عمادالدین نسیمی، ص ۱۵۵)

حافظ سعد:

بتم طریقه خشم و رضا گرفت و گذاشت

کمند جنگ و عنان صفا گرفت و گذاشت

(گ ۲۱ ب)

۲-۳- شاه نعمت الله ولی

(متوفای ۸۳۴ ق):

یکسانی‌ها:

نعمت الله:

جهان جسم است و من جان جهانم

چه جای جان؟ منم جانان عالم

(کلیات، ص ۴۲۲)

حافظ سعد:

جهان جسم است و ما جان جهانیم

جهان جوی است و ما آب روانیم

(گ ۷ ب)

نعمت الله:

دامن عاشقان ز دست مده

جام می جز به دست مست مده

(کلیات، ص ۵۵۴)

حافظ سعد:

بِإِذْنِ عَاشِقِي وَ سِرْمَسْتِي

جز به عشاق می پرست مده

(گ ۹۸ الف)

۲-۴-قاسم انوار (متوفای ۸۳۸ ق) حافظ سعد از مریدان قاسم انوار بوده و بالطبع با اشعار او مانوس؛ و در بسیاری از اشعارش از وی تأثیر پذیرفته است. از شش قصیده موجود در دیوان حافظ سعد، پنج قصیده در مدح قاسم انوار است که این نشان دهنده شدت علاقه شاعر به مراد خود است.

یکسانی‌ها:

قاسم:

گَر تَو غَوَاصٍ بَحْرِ تَحْقِيقِي

دُر ز دریا طلب مجو از جو

(کلیات، ص ۲۶۸)

حافظ سعد:

جای این غم دل است نی دیده

دُر ز دریا طلب مجو از جو

(گ ۹۴ الف)

قاسم:

نیل مقصود در فنیآ آمد

سر بنه، جان بده، بهانه مجو

(کلیات، ص ۲۶۸)

حافظ سعد:

سعداگر یار جان و سر جوید

سر بنه، جان بده، بهانه مجو

(گ ۹۵ الف)

قاسم انوار:

موکشان برد مرا عشق ز مسجد به کنشت

الله الله چه تفاوت، ز کجا تا به کجاست

(کلیات، ص ۴)

حافظ سعد:

ما و طوف سر کویت، تو و حاجی و حرم

الله الله که تفاوت ز کجا تا به کجاست

(گ ۳۰ الف)

قاسم انوار:

در دل از شوق تو شوری است که نتوان گفتن

با خیال تو حضوری است که نتوان گفتن

(کلیات، ص ۲۵۵)

حافظ سعد:

در سر از عشق تو شوری است که نتوان گفتن

در دل از مهر تو نوری است که نتوان گفتن

(گ ۸۹ الف)

حافظ سعد غزلی دارد که قافیه‌های آن و همچنین وزن و ردیف آن غزل با غزلی از دیوان قاسم انوار مشابه است. قافیه‌های مشترک این دو غزل عبارتند از: لامع، جامع، سامع، دامع و طامع.

برای جلوگیری از اطناب فقط مطلع این دو غزل آورده می‌شود:

قاسم انوار:

گر دیر سومنات بود گر صوامع است

هر جا که هست لمعاً روی تو لامع است

(کلیات، ص ۵۱)

حافظ سعد:

در بزم ساکنان خرابات لامع است

آن پرتوی که مقصد اهل صوامع است

(گ ۲۶ الف)

۲-۶-جامی (متوفای ۸۹۸ ق): حافظ سعدر غزل ۲۶۷ (گ ۷۳ب) جامی را ستوده

است. در ذیل مطلع این غزل آمده است. در این بیت شاعر از واژه «جامی» ایهام زیبایی در دو معنای جام شراب و نام شاعر ساخته است:

(گ ۷۳ب) خمار آن دو چشم پر فن ناوک فکن دارم

در بیت هفتم این غزل، جامی را ستوده است و او را جهان فضل و دانش و کعبه

معنی نامیده است. این خود نشان دهنده مقام والای جامی در نزد حافظ سعد است.

بنابراین می توان گفت که حافظ سعد با اشعار جامی مأنوس بوده و بالطبع در اشعارش از وی تأثیر پذیرفته است.

جهان فضل و دانش خواجه جامی کعبه معنی

جوانبختی که مهرش همچو جان اندر بدن دارم

یکسانی ها:

ز اشک نومیدی و نم حسرت

دیده تر پر آب کرده توست

(دیوان، ص ۲۱۴)

حافظ سعد:

نه همین دل بر آتش است ز غم دیده ام هم پر آب کرده توست

(گ ۲۷ الف)

جامی:

خانه دل خراب کرده توست چشمه دل سراب کرده توست

(دیوان، ۲۱۴)

حافظ سعد:

چه بود خانه خرابه گل خانه دل خراب کرده توست
(گ ۲۷ الف)

جامی:

چشم گریان من ز عکس لبت ساغر پر شراب کرده توست
(دیوان، ص ۲۱۴)

حافظ سعد:

کرد ویران شراب، خانه سعد نیست این از شراب کرده توست
(گ ۲۷ الف)

وزن و ردیف و قافیه مشابه:

جامی:

ساقیا عهد گل از عطر بهاران تازه شد باغ و راغ از سبزه و سبزه زباران تازه شد
(دیوان، ص ۳۰۹)

حافظ سعد:

باد نوروزی وزید و باغ و بستان تازه شد
غنچه را بشکفت دل عشاق را جان تازه شد
(گ ۳۷ الف)

جامی:

مست چشمت شراب را چه کند؟ با لبت قند ناب را چه کند؟
(دیوان، ص ۲۸۸)

حافظ سعد:

دردمند غمت دوا چه کند؟ بزم عشاق تو نوا چه کند؟
(گ ۴۳ ب)

علاوه بر موارد فوق که حاکی از علاقه حافظ سعد به جامی و بالطبع اشعار اوست؛ در دیوان وی به اشعاری با دیدگاه وحدت وجودی ابن عربی بر می‌خوریم؛ از آنجا که

جامی نیز در بسیاری از رباعیات خود مفسّر این دیدگاه است، گمان می‌رود حافظ سعد در این زمینه از جامی تأثیر پذیرفته باشد. برای جلوگیری از اطناب، نمونه‌هایی از اشعار دو شاعر آورده می‌شود:

جامی:

یا من لهواه كنت بالروح سمحت هم فوقی و هم تحت نه فوقی و نه تحت
ذات همه جز وجود و قایم به وجود ذات تو وجود ساذج و هستی بحت
(لوايح، ص ۶۵)

تا چند حدیث جسم و ابعاد و جهات تا کی سخن معدن و حیوان و نبات
یک ذات فقط بود محقق نه ذوات این کثرت وهمی ز شوون است و صفات
(همان، ص ۷۶)

همسایه و همنشین و همره همه اوست در دلق گدا و اطلس شه همه اوست
در انجمن فرق و نهانخانه جمع بالله همه اوست ثم بالله همه اوست
(همان، ص ۸۲)

حافظ سعد:

به سرّ وحدت اگر پی بری یکی بینی

همه جهالت بوجهل و دانش نبوی
(گ ۱۰۲ الف)

همه جا جلوگاه معشوق است

خواه بتخانه گیر و خواه حرم
(گ ۱۱۷ ب)

این طرفه که خود لاف «انا الحق» زد و آخر

بد نامی عالم همه بر گردن حلاج
(گ ۳۳ ب)

آنجا که تویی کعبه و بتخانه یکی است

خمار و خمار و خمر و خمخانه یکی است

کیش و کنش و کوشش و کاشانه یکی است

مجنون و جنون و جان و جانانه یکی است

(گ، ۱۲۱ الف)

همچنین در این دیوان، غزلی است که دیدگاه وحدت‌گرایانه ابن عربی را به وضوح

می‌توان دید:

مرا تا که جان بود در دل تو بودی زجان و دلم هر دو حاصل تو بودی

همی جستمت در دل خویش عمری چو نیکو بدیدم خود دل تو بودی

چو حل شد همه مشکلاتم بدیدم که مشکل تو، حل مشکل تو بودی

نشد بر دلم مشتبه قبله هرگز که هر جا شدم در مقابل تو بودی...

(گ، ۱۰۸ اب و الف)

نتیجه‌گیری

«جلال‌الدین حافظ سعد تبریزی» ملقب به «سعدالله»، در اوایل قرن نهم می‌زیسته و چنانچه از اشعارش بر می‌آید شاعری عارف مسلک بوده است. تنها اثر بازمانده از وی، دیوان اشعار است و بیشترین اطلاعات ما از او منحصر به دیوان وی است. حافظ سعد، مرید قاسم انوار- عارف و شاعر معروف قرن نهم- است و به دلایلی که بر ما پوشیده است، مورد غضب پیر خود قرار گرفته و از خانقاه رانده شده است.

بیش از نیمی از حجم دیوان حافظ سعد، غزلیات وی است که دارای مضامین عارفانه- عاشقانه است. وی شاعری مقلد بوده است و از بسیاری از شعرای پیشین و معاصر خویش تاثیر پذیرفته است. از شعرای پیشین مؤثر بر شعر او به ترتیب: عطار، سعدی، مولوی، امیر خسرو دهلوی، اوحدی مراغه‌ای و خواجه را می‌توان نام برد. بیشترین تأثیر او از حافظ شیرازی و سپس امیر خسرو دهلوی، خواجه و سعدی است. از شعرای معاصر حافظ سعد که تأثیر اشعار آنان را در دیوان وی می‌توان دید، کمال

خجندی، جامی و قاسم انوار را می‌توان نام برد. هرچند تأثیرپذیری حافظ سعد از شاعران مورد بررسی را به راحتی نمی‌توان تفکیک کرد اما به نظر می‌رسد او در حوزه مضامین قلندرانه و ادبیات خمیری تحت تأثیر حافظ و در تلقی وحدت وجودی از هستی متأثر از جامی و در عرصه غزل عاشقانه تحت تأثیر سعدی بوده است. حافظ سعد در عرصه اوزان ملایم وجویباری که بیشترین اشعار او را تشکیل می‌دهد تحت تأثیر حافظ و در زمینه اوزان تند و خیزابی متأثر از مولانا به نظر می‌رسد.

یادداشت‌ها

۱- «روضة من رياض الجنان و لطيفة من لطايف... من كلام صاحب و قارى المشتهر بحافظ سعد عليه الرحمة و الغفران»

۲- يوم الاثنين خامس شعبان بود
کامد به وجود گوهر معدن جود
«بر میر علی باد مبارک» این است
تاریخ ابوسعید سلطان وجود

(گ ۱۳۰)

این ماده تاریخ، زمان به سلطنت رسیدن شخصی به نام «ابوسعید» را نشان می‌دهد. تاریخ ذکر شده مصادف است با به سلطنت رسیدن ابوسعید پسر قرایوسف که از جانب شاهرخ به حکومت تبریز برگزیده شده بود.

۳- شعر فارسی در عهد شاهرخ، ص ۲۴۸.

۴- اگر مخالف این ره نئی حسینی وار
طریق راست ز عشاق بینوا بطلب
نسیم روضه توفیق بایدت چون سعد
رضای خاطر اولاد مرتضی بطلب

(گ ۱۶)

بمان به منصب عالی بسی که خوش حالند
به دور تو هم اجنبی و هم علوی
(گ ۱۰۲ الف)

۵- داغ فراق عراق بر دل خود خوش کنم
چون گذرد بر دلم یاد خراسان مرا

(گ ۱۱۲ الف)

در سرم دوشینه آهنگ عراق افتاده بود
ذوق ایام شبایم در مذاق افتاده بود

(گ ۱۴۳ الف)

ای سعد جز به کوی کریمان وطن مکن این یک دو روزه‌ای که به کرمان رسیده‌ای
(گ۹۷ب)

۶- قَلَّاش و قَلْنَدِریم حَقَّا خَاک ره قَاسمِیم وَاالله
(گ۹۹ب)

در عشق دلم چو یافت پاکی ز آن رو سر و ریش می‌تراشم
(گ۶۶ب)

۷- همه جا جلوگاه معشوق است خواه بتخانه گیر و خواه حرم
(گ۱۱۷ب)

آنجا که تویی کعبه و بتخانه یکی است خمار و خمار و خمر و خمخانه یکی است
کیش و کنش و کوشش و کاشانه یکی است مجنون و جنون و جان و جانانه یکی است
(گ۱۱۲الف)

۸- این مطلب بر روی برچسب نسخه آمده است.

۹- در کتاب مذکور اشتباهاً به جای «سعد»، «سعدی» آمده است.

۱۰- نسخه های خطی دانشگاه تهران، ج: ۴، ص: ۶۸۱، فهرست موزه بریتانیا، اثر مردیت اونس.

۱۱- ممکن است در این مبحث، ابیات در یک یا دو مورد ذکر شده، شبیه باشند. برای پرهیز از اطباب در بیشتر موارد فقط مطلع غزل یا قصیده ذکر شده است.

۱۲- برای شرح احوال این شاعر به مقدمه دیوان وی مراجعه شود.

منابع و مأخذ

۱- امیر علیشیر (نوایی)، میر نظام الدین، (۱۳۶۳)، تذکرة مجالس النفائس، به اهتمام علی اصغر حکمت، [تهران] انتشارات منوچهری.

۲- اوحدی مراغه‌ای، اوحد الدین یا رکن الدین بن حسین اوحدی، (۱۳۶۲)، دیوان کامل اوحدی مراغه‌ای، مقدمه ناصر هیری، تصحیح امیر احمد اشرافی، انتشارات پیشرو.

۳- -----، (۱۳۴۰)، دیوان، به انضمام منطق العشاق، به اهتمام حمیدسعادت، تهران، انتشارات کاوه.

- ۴- تربیت، محمدعلی، (بی تا)، دانشمندان آذربایجان، تهران، انتشارات بنیاد کتابخانه فردوسی تبریز.
- ۵- جامی، نورالدین عبدالرحمن، (۱۳۸۰)، دیوان نورالدین عبدالرحمان جامی، به مقدمه و اشراف محمد روشن، تهران، انتشارات نگاه.
- ۶- -----، (۱۳۷۳)، لوایح، تصحیح یان ریشار، تهران، انتشارات اساطیر.
- ۷- -----، (۱۳۶۶)، مثنوی هفت اورنگ، به تصحیح و مقدمه مرتضی مدرس گیلانی، چاپ دوم، نشر سعدی.
- ۸- حافظ تبریزی، جلال الدین سعدالله تبریزی، (۱۳۶۴هـ.ق)، دیوان سعد حافظ تبریزی، نسخه خطی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، فهرست نسخه‌های خطی، ج ۳۶، ص، ۲۴۰، ش، ۱۳۱۵۹.
- ۹- -----، (۱۳۶۴ ق)، دیوان حافظ سعد تبریزی، نسخه خطی، کاتب؛ شیخ محمود هروی (پیر بdaq)، موزه بریتانیا شماره نسخه؛ OR.11846، نشریه نسخه‌های خطی دانشگاه تهران، ج، ۴، ص ۶۸۱، فهرست موزه بریتانیا، اثر مردیت اونس.
- ۱۰- حافظ شیرازی، شمس الدین محمد، (۱۳۸۲)، دیوان حافظ، بر اساس نسخه علامه قزوینی و دکتر قاسم غنی، تهران، نشر جمال.
- ۱۱- خجندی، کمال الدین، (۱۳۷۴)، دیوان شیخ کمال خجندی، با شرح حال و زندگانی، اقدم نسخ به خط علی دامغانی، به اهتمام ایرج گل‌سرخ، تهران، انتشارات سروش.
- ۱۲- خواجه کرمانی، ابوالعطا، کمال الدین محمود، (بی تا)، دیوان کامل خواجه کرمانی، با مقدمه مهدی افشار، انتشارات ارسطو.
- ۱۳- خیام پور، عبدالرسول، (۱۳۶۸)، فرهنگ سخنوران، تهران، انتشارات طلایه.
- ۱۴- دهلوی، امیر خسرو، دیوان، (۱۳۸۰)، با مقدمه و تصحیح محمد روشن، تهران، انتشارات نگاه.

- ۱۵- زمانی، کریم، (۱۳۸۷)، شرح جامع مثنوی معنوی، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات اطلاعات.
- ۱۶- سعدی شیرازی، (۱۳۸۰)، مشرف بن مصلح، کلیات سعدی، از روی نسخه تصحیح شده مرحوم محمد علی فروغی، تهران، نشر رحیمی.
- ۱۷- شاه نعمت الله ولی، (۱۳۷۳)، کلیات اشعار شاه نعمت الله ولی، به سعی جواد نوربخش، چاپ هشتم، تهران، ناشر دکتر جواد نوربخش.
- ۱۸- عطار نیشابوری، فرید الدین ابوحامد، (۱۳۵۹)، دیوان، مقدمه و حواشی م. درویش، چاپ دوم، تهران، انتشارات جاویدان.
- ۱۹- -----، (۱۳۶۴)، مصیبت نامه، به اهتمام و تصحیح عبدالوهاب نورانی وصال، چاپ سوم، تهران، انتشارات گلشن.
- ۲۰- قاسم انوار، معین الدین، (۱۳۳۷)، کلیات قاسم انوار، تهران، انتشارات کتابخانه سنایی.
- ۲۱- محمد مظفر، حسین، (متخلص به صبا)، (۱۳۴۳)، تذکره روز روشن، تهران، انتشارات کتابخانه رازی.
- ۲۲- مولوی، جلال الدین محمد بلخی، (۱۳۷۳)، کلیات دیوان شمس، مطابق نسخه تصحیح شده استاد بدیع الزمان فروزانفر، چاپ سوم، تهران، انتشارات نگاه.
- ۲۳- نسیمی شیروانی، عماد الدین سید علی، (۱۳۸۲)، زندگی و اشعار عمادالدین نسیمی، به کوشش یدالله جلالی پندری، چاپ دوم، تهران، نشر نی.
- ۲۴- یار شاطر، احسان، (۱۳۸۳)، شعر فارسی در عهد شاهرخ، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.